

پیش‌خواب

به بهانه انتشار روزشمار تاریخی زندگی استاد حسین محجوبی

نظر به زندگی هنرمند در ضمن تاریخ

■ **محمد رضا کائینی**



استاد حسین محجوبی از نقاشان نامدار هفت دهه اخیر ایران به شمار می‌رود. او در طول این مدت، یکی از چند نفری است که توانسته است این هنر در ایران را با نگاه فطری و طبیعی خویش سرا نگه دارد. در روزهای گذشته و در چهل‌وپنجمین سال تأسیس «خانه محجوبی» اثری منتشر شد که ضمن نمایاندن گزارشی از زندگی محجوبی در ادوار گوناگون حیات، روزشماری از تاریخ سیاسی- فرهنگی معاصر ایران نیز است و می‌تواند مورد مراجعه محققان این حوزه قرار گیرد. این اثر که «روزگار محجوب» نام دارد، به همت سیدامیر سقراطی به زیور طبع آراسته شده است. مؤلف در دیباچه این پژوهش آورده است: «حسین محجوبی نقاش عاشق و عارف، شناخته شده‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. سیمای او را می‌توان در نقاشی‌هایش یافت؛ نقاشی‌هایی چشم‌نواز و آرام و دلنشین با تصاویری بدیع و زیبا از سرزمین مادرش‌ای گیان، با درختانی سر به فلک کشیده و خانه‌های گالی‌پوش و اسب‌های سفید. او نقاش مناظر آرام و دلنشین است و در آثارش به دستکاری طبیعت توسط بشر اعتراض می‌کند. نقاشی‌هایش آثاری دکوراتیو و خالی از معنا نیستند بلکه هر اثر او بیانگر عواطف و احساساتش نسبت به طبیعت، هستی و خلقت است.

اگر چه حسین محجوبی نقاشی شناخته شده و آشناست اما در آستانه ۹۰ سالگی، بازخوانی فعالیت‌هایش ضروری به نظر می‌رسد. از این رو بر آن شدم که سالشماری از ۹۰دهه زندگی این هنرمند شهیر و نامدار را در پژوهشی طولانی تهیه و گردآوری کنم. در تنظیم این سالشمار تاریخ‌هایی که به رخدادهای مهم هنرهای تجسمی و روند شکل‌گیری تاریخ هنر



مربوط بوده‌اند توجه شده است. قصد اصلی من در این تاریخ‌نویسی مختصر و موجز، اشاره به همزمانی رخدادها با اتفاقات مهم زندگی حسین محجوبی بوده است. در نگارش این تقویم به سال‌های قبل از تولد حسین محجوبی و رقدام تا مسئله آموزش هنر در ایران را مورد توجه قرار دهم. بنابراین اولین تاریخ از ۱۲۲۶ یعنی ۸۳ سال قبل از تولد حسین محجوبی- که تاریخ تولد کمال الملک است- شروع می‌شود. کمال‌الملک به عنوان سرافازی برای مواجهه با نقاشی جدید، فردی مهم در تاریخ هنر ایران است و دقت اصحاب پژوهش و نقد است. تاریخ بعدی تأسیس وزارت علوم است که چگونه مسیر آموزش در ایران مدرن شکل گرفت و با چه سرعتی طی شد. همچنین به دلیل گیلانی بودن حسین محجوبی- اشاره به برخی از رخداد‌های مهمی که در گیلان و همزمان با روزهای کودکی تا جوانی حسین محجوبی در این استان رخ داده است ضروری بود. مرور تاریخ‌های مهم در این سالشمار، نگاه دقیق‌تر به ایران مدرن است و نگاه به روزهای زندگی حسین محجوبی در روزگار نوگرایی هنر ایران که او چگونه مسیر ترقی و پیشرفت را در بازه‌های زمانی مختلف طی کرده است. برای سهولت در خواندن متن سالشمار، وقایع مربوط به زندگی استاد محجوبی با حروف بزرگ‌تر و رنگ مشکی حروفچینی و رخدادها و وقایع تاریخی ایران و جهان با حروف کوچک‌تر و خاکستری رنگ مشخص شده‌اند.

امیدوارم این رویدادنگاری به خوانندگان عزیز در ترسیم شمای کلی تاریخ هنر در دوره‌های زندگی حسین محجوبی کمک کند. همچنین برای آشنایی بیشتر با استان محجوبی و حفظ منابع تاریخی نیاز به ثبت و ضبط آرشویی تحت عنوان «گزیده‌ای از کتاب‌شناسی، مقالات، مصاحبه‌ها و فیلم‌ها» درباره استاد بود که خوانندگان عزیز می‌توانند با رجوع به این بخش از اطلاعات آن استفاده کنند. از سعید محجوبی، فرزند ارشد استاد محجوبی که اسناد، عکس‌ها و تصاویر کتاب را در اختیارم گذاشت، کمال سپاس و تشکر را دارم.»

■ **نیما احمدپور**

بی‌تردید پیدایش و کنشگری حزب توده در ساحت سیاست‌ورزی ایران، در زمره تجربیات در خور خوانش به شمار می‌رود. این حزب در دوره حیات خویش تجربه‌ای نسبتاً کامیاب از نقش آفرینی‌های کلان و نیز جذب نخبگان به نمایش گذارد و توانست بخش‌هایی از سیاست و فرهنگ کشورمان را از خویش متأثر سازد. این تشکّل در خلال کنش و واکنش‌های خویش با انشعاب‌هایی نیز مواجه شد که موضوع مقالی است که هم‌اینک پیش‌روی شماست. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقبّد و مقبول آید.

■ ■ ■

ظاهر انشعاب و ائتلاف جزء ذات احزاب سراسر دنیاست، اما این موارد در برخی از احزاب کمتر اتفاق می‌افتد و در برخی بیشتر. به نظر می‌رسد حزب توده در این زمینه نیز فراز و نشیب‌های زیادی را از سر گذراند و انشعاب در این حزب در مقایسه با احزاب دیگر و حتی مجموعه احزاب چپ که همواره بیش از دیگر احزاب دچار انشعاب می‌شوند، وضعیت خاصی دارد. حزب توده با تمام فراز و فرودهایش نهایتاً نشان داد برای سیستم‌های بسته ایدئولوژیک دیگر جایی وجود ندارد و اندیشه انسانی را نمی‌توان با ایدئولوژی در بند کرد. حزب توده در تاریخ ایران بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین حزب بود و توانست در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایران فعالیت کند.

■ **چرا بی باره‌ای از انشعابات در حزب توده**

حزب توده در آغاز با شعارهای آزادی‌خواهانه دلخواه مردم ایران توانست بر خسی از افسراد عدالتخواه و وطن‌دوست، به‌ویژه استقبال روشنفکران را به خود جلب کند، اما وفاداری کساد رهبری حزب توده به شوروی و دنباله‌روی از سیاست‌های آن به تدریج شرایط را به گونه‌ای پیش برد که صدای اعتراض وطن‌دوستان ایرانی به دخالت‌های شوروی بلند شد. انشعابات گوناگون و مستمری هم که در این حزب رخ داد، عمدتاً ناشی از سرسپریگی رهبران حزب به بیگانگان بود.

■ **انواع انشعابات در ارتباط با حزب توده**
ماجرای انشعاب در ارتباط با حزب توده سه نوع است؛ انشعاب در خود حزب توده و جدا شدن گروه‌هایی از آن، انشعاب در احزاب دیگر برای پیوستن به حزب

توده و انشعاب در احزاب دیگر در مخالفت در ائتلاف با حزب توده.

انشعاب در احزاب چپ در ایران حتی پیش از تشکّل حزب توده در سال ۱۳۲۰ هم سابقه داشته است. از جمله انشعاب در حزب دموکرات در دوره مشروطه که نخستین تشکیلات حزبی در ایران بود. همچنین است تشکّل گروه ۵۳ نفر که در واقع اکثر اعضای آن بعدها در زمره بنیانگذاران حزب توده بودند. این گروه در واقع حاصل ائتلاف محفل روشنفکری دکتر تقی ارانی و کمونیست‌هایی چون عبدالصمد کام‌بخش بود. از دیگر احزاب چپ، حزب هم‌راhan بود که در سال ۱۳۲۱ تشکّل شد. در سال ۱۳۲۳ جمعی از اعضای این حزب از جمله علی شهیدزاده گودرزی همراه با عده دیگری از اعضای آن از حزب انشعاب کرد و «حزب سوسیالیست ایران» را تشکّل داد. در همین سال گروهی از اعضای اتحادیه‌های کارگری اعضای اتحادیه کارگران و برزگران از جمله مهندس کریم ممتحن، حبیب جلیل، ابراهیم علیزاده نامی، نام انصاری، خلیل انقلاب آذر، اسدالله قدرتی و عزت‌الله عقیقه‌چی از این اتحادیه انشعاب کردند و به نهایتاً نشان داد برای سیستم‌های بسته ایدئولوژیک دیگر جایی وجود ندارد و اندیشه انسانی را نمی‌توان با ایدئولوژی در بند کرد. حزب توده در تاریخ ایران بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین حزب بود و توانست در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایران فعالیت کند.

■ **چرا بی باره‌ای از انشعابات در حزب توده**

حزب توده در آغاز با شعارهای آزادی‌خواهانه دلخواه مردم ایران توانست بر خسی از افسراد عدالتخواه و وطن‌دوست، به‌ویژه استقبال روشنفکران را به خود جلب کند، اما وفاداری کساد رهبری حزب توده به شوروی و دنباله‌روی از سیاست‌های آن به تدریج شرایط را به گونه‌ای پیش برد که صدای اعتراض وطن‌دوستان ایرانی به دخالت‌های شوروی بلند شد. انشعابات گوناگون و مستمری هم که در این حزب رخ داد، عمدتاً ناشی از سرسپریگی رهبران حزب به بیگانگان بود.

■ **انواع انشعابات در ارتباط با حزب توده**
ماجرای انشعاب در ارتباط با حزب توده سه نوع است؛ انشعاب در خود حزب توده و جدا شدن گروه‌هایی از آن، انشعاب در احزاب دیگر برای پیوستن به حزب توده و انشعاب در احزاب دیگر در مخالفت در ائتلاف با حزب توده.
حزب توده در سال ۱۳۲۰ هم سابقه داشته است. از جمله انشعاب در حزب دموکرات در دوره مشروطه که نخستین تشکیلات حزبی در ایران بود. همچنین است تشکّل گروه ۵۳ نفر که در واقع اکثر اعضای آن بعدها در زمره بنیانگذاران حزب توده بودند. این گروه در واقع حاصل ائتلاف محفل روشنفکری دکتر تقی ارانی و کمونیست‌هایی چون عبدالصمد کام‌بخش بود. از دیگر احزاب چپ، حزب هم‌راhan بود که در سال ۱۳۲۱ تشکّل شد. در سال ۱۳۲۳ جمعی از اعضای این حزب از جمله علی شهیدزاده گودرزی همراه با عده دیگری از اعضای آن از حزب انشعاب کرد و «حزب سوسیالیست ایران» را تشکّل داد. در همین سال گروهی از اعضای اتحادیه‌های کارگری اعضای اتحادیه کارگران و برزگران از جمله مهندس کریم ممتحن، حبیب جلیل، ابراهیم علیزاده نامی، نام انصاری، خلیل انقلاب آذر، اسدالله قدرتی و عزت‌الله عقیقه‌چی از این اتحادیه انشعاب کردند و به نهایتاً نشان داد برای سیستم‌های بسته ایدئولوژیک دیگر جایی وجود ندارد و اندیشه انسانی را نمی‌توان با ایدئولوژی در بند کرد. حزب توده در تاریخ ایران بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین حزب بود و توانست در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایران فعالیت کند.

■ **چرا بی باره‌ای از انشعابات در حزب توده**

حزب توده در آغاز با شعارهای آزادی‌خواهانه دلخواه مردم ایران توانست بر خسی از افسراد عدالتخواه و وطن‌دوست، به‌ویژه استقبال روشنفکران را به خود جلب کند، اما وفاداری کادر رهبری حزب توده به شوروی و دنباله‌روی از سیاست‌های این حزب به تدریج شرایط را به گونه‌ای پیش برد که صدای اعتراض وطن‌دوستان ایرانی به دخالت‌های شوروی بلند شد

تاریخ

گفت‌وگو ۸۸۹۸۴۷۷



مروری بر تاریخچه انشعاب‌ها در قلمرو اندیشه چپ و حزب توده ایران

قبض و بسط‌های تشکیلاتی حزب پدر خوانده

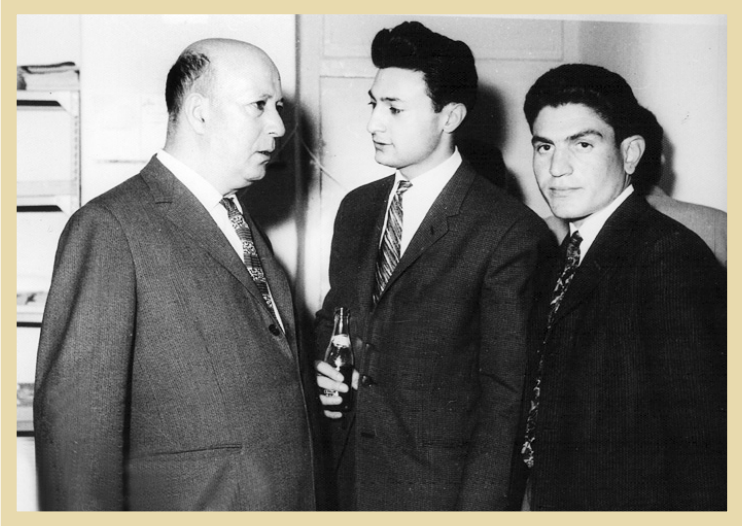
معترض خواهان برگزاری کنگره دوم حزب توده بودند، اما کادر رهبری از این کار طفره می‌رفت که به شدت اعتراضات افزود. اعتراضات بالا گرفتند و کادر مرکزی ناچار شد شورایی را که اعضای کمیته مرکزی، کمیسیون بازرسی مرکزی، سه نفر از کمیته ایالتی تهران و دو نفر از اعضای کمیسیون بازرسی ایالتی تهران در آن شرکت داشتند تشکیل دهد و از بین خود یک هیئت محرز ۱۱ نفره را که بعضی از اعضای معترض حزب هم جزو آن بودند انتخاب کند. حزب با انتشار دو اعلامیه، تجدیدنظرهای خود در برخی از مواضع را به اطلاع مردم و نیز اعضای حزب رساند. گروهی از اعضای حزب توده به رهبری دکتر اسحاق اپریم کتاب «چه باید کرد؟» را منتشر و نواقص و ضعف‌های تئوریک حزب را بر ملا ساختند. پیشنهاد آنها تشکیل حزبی تحت عنوان «حزب سوسیالیست جبهه دموکرات» به عنوان جانشین حزب توده بود. این کتاب در سال ۱۳۲۴ ابتدا به طور خصوصی منتشر شد، اما در سال ۱۳۲۵ انتشار عمومی پیدا کرد. مدتی بعد دکتر اپریم با همکاری جلال آل‌احمد و چند نفر دیگر کتاب «حزب توده بر سر دو راهی» را نوشت تا در ۱۴ بهمن ۱۳۲۵ به مناسبت هفتمین سالگرد درگذشت تقی ارانی منتشر شد، اما چآن به تعویق افتاد و در سال ۱۳۲۶ منتشر شد.

■ **دومین انشعاب و نتایج آن**

در تیرماه سال ۱۳۲۶ سومین کنفرانس ایالتی حزب توده در تهران برگزار شد و شش نفر از ۱۱ عضو جدا شدند و حزب وحدت ایران را بنیان نهادند، از جمله محمدتقی بهار، محمدحسین میمندنی‌زاد، سیدحسن زعیم، حسن نزیه، جعفر شهیدی، محمدامین ریاحی، شمس‌الدین جزایری، فرج‌الله باقی و...

■ **اولین و مهم‌ترین انشعاب در حزب توده**

در سال ۱۳۲۰ گروهی از اعضای حزب توده که نسبت به عملکردهای حزب اعتراض داشتند، از این حزب منشعب شدند. این نخستین و مهم‌ترین و تاریخی‌ترین انشعاب از حزب توده بود، به طوری که تنها این گروه به عنوان انشعابیون شناخته شدند. علل این مخالفت‌ها و اعتراضات عبارت‌اند از: تعصب جانبدارانه حزب توده از روسیه در زمینه واگذاری امتیاز نفت شمال به آن کشور، تواضع حزب در قبال فرقه دموکرات و شکست کمونیسم در آذربایجان، شکست مشارکت حزب توده در ائتلاف حزبی و دولت ائتلافی قوام‌السلطنه و از همه مهم‌تر اطاعت کور کورانه و بی‌قید و شرط حزب از شوروی. اعضای



از راست: جلال آل احمد، انور خامنه‌ای، رضا انشعابیون از اعضای شاخص انشعاب حزب توده

مهندس اسماعیل زنجانی و شش نفر از اعضای کمیته ایالتی تهران. این افراد در ۱۵ دی ۱۳۲۶ جزوه‌ای را تحت عنوان «دو روش برای یک هدف» به عنوان اولین نشریه سازمانی جمعیت

سوسیالیست توده ایران منتشر کردند و رهبری حزب توده را به دلیل اتخاذ مواضع نادرست حزبی در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی به یاد انتقاد گرفتند. حزب توده در پاسخ به مواضع معترضان اعلام کرد اگر همچنان بر مواضع خود پافشاری کنند، اخراج خواهند شد. سرانجام در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۲۶ این افراد از حزب توده جدا شدند و همراه با انسان ۲۱ نفر دیگر از جمله احمد آرام، عباس دیوشلی، رسول پرویزی، علی شاهنده، علی اصغر خیبره‌زاده، احمد ساعتچی، محمد مهدی عظیمی، میرحسین سرشار، ملکه محمدی و... هم به انشعابیون پیوستند. پس از مدتی انور خامنه‌ای جمعیت رهایی‌کار و اندیشه را راه انداخت و اکثر انشعابیون با رهبری خلیل ملکی در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ با حزب زحمتکشان دکتر بقایی ائتلاف کردند و به جبهه ملی ایران پیوستند. انور خامه‌ای بعدها در تبیین علل انشعاب چهره‌هایی چون جلال آل احمد و خلیل ملکی از حزب توده طی مصاحبه‌ای گفت: «جلال آدمی بود که مثل خیلی افراد دیگر به حزب توده آمده بود. حزب توده ابتدا حرف‌هایی می‌زد که در ایران تازگی داشت و اکثر جوانان بدون توجه به ماهیت حرف‌ها و ارتباط آن با

شوروی، جذب آن می‌شدند. جلال هم مثل خیلی از همین افراد طرفدار حزب توده شد. بعد وقتی ماهیت آنها را دید، دل‌زده شد و از حزب دور شد. شخصیت جلال اینگونه است، یعنی هم نزدیکی‌اش به توده و هم دور شدنش از آن و نزدیکی‌اش به انشعابیون همین‌طور است. اول فکر کرد این حزب ملی است، اما بعد که ماهیت حزب را دید، خارج شد... جلال از ابتدای ورود به حزب توده و علاقه‌مندی‌اش به روزنامه مردم - که در آن قلم می‌زد- همین‌گونه بود. او فکر می‌کرد آنها ایرانی و ملی هستند و علاقه‌شان به شوروی از جهت ایران دوستی و ایران پرستی است، اما بعدها به طرف مقابل این نگاه رسید. خیلی‌ها در آن مقطع به این نتیجه رسیدند و به فعالیتشان در حزب ادامه ندادند... او هم مثل همه ما همین‌طور بود، حتی خود ملکی که بعداً با اندیشه‌های گرای به سمت توده آمد، اما وقتی فهمید اینها دارند سنگ‌خودشان را به سینه می‌زنند و برای ایران کار نمی‌کنند، جدا و انشعاب مطرح شد. هم جلال آل‌احمد، هم خلیل ملکی و هم دیگران یک سرنویشت مشابه داشتیم، اول به توده رفتیم و بعد جدا شدیم. ارزش کار به همین بود. اینکه برای ایران به سمت توده رفتیم و بعد باز هم برای ایران از توده جدا شدیم.»

در پی اختلاف دو جناح حزب زحمتکشان، در مهر ۱۳۳۱ خلیل ملکی و طرفدارانش نیروی سوم را تأسیس کردند و به حمایت از مصدق و نهضت ملی پرداختند. نیروی سوم پس از کودتای ۲۸ مرداد به صورت مخفی فعالیت خود را در نهضت مقاومت ملی ادامه داد و در سال ۱۳۳۲ با نام «جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران» فعالیت‌علنی خود را آغاز کرد. به این ترتیب سوسیالیسم ایرانی جایگزین کمونیسم روسی حزب توده شد و به عنوان سرسخت‌ترین مخالف و رقیب حزب توده به فعالیت خود ادامه داد.

در دهه ۱۳۲۰ علت انشعاب در حزب توده مخالفت با سیطره‌جویی کمونیسم واحد جهانی و تلاش برای قطع ارتباط از مسکو بود، اما در دهه ۱۳۳۰ فعالیت‌های حزب به صورت مخفی فعالیت خود را در نهضت ملی ایران» فعالیت‌علنی خود را آغاز کرد. به این ترتیب سوسیالیسم ایرانی جایگزین کمونیسم روسی حزب توده شد و به عنوان سرسخت‌ترین مخالف و رقیب حزب توده به فعالیت خود ادامه داد.

در دهه ۱۳۲۰ علت انشعاب در حزب توده مخالفت با سیطره‌جویی کمونیسم واحد جهانی و تلاش برای قطع ارتباط از مسکو بود، اما در دهه ۱۳۳۰ فعالیت‌های حزب به صورت مخفی فعالیت خود را در نهضت ملی ایران» فعالیت‌علنی خود را آغاز کرد. به این ترتیب سوسیالیسم ایرانی جایگزین کمونیسم روسی حزب توده شد و به عنوان سرسخت‌ترین مخالف و رقیب حزب توده به فعالیت خود ادامه داد.

■ **پیدایش تشکلی به نام سازمان انقلابی حزب توده ایران**

حزب ۱۳۴۲ سازمان انقلابی حزب توده ایران در اثر مناقشات بین شوروی و چین تشکیل شد، برخی از اعضای این سازمان عبارت بودند از: پرویز نیکخواه، بیژن چهرآز، سیروس نپاوندی، بهمن قشقایی، برادران شکوکی و سیاوش پارسائزاد. بعدها سه نفر از اعضای ناراضی کمیته مرکزی یعنی غلامحسین فروتن، احمد سخایی و احمد قاسمی هم به سازمان انقلابی پیوستند و از حزب توده اخراج شدند. سازمان انقلابی اولین تشکیلات کمونیستی در ایران است که با مخالفت با کمونیسم روسی حزب توده به

کمونیسم چینی روی آورد و مائونیسم را ترویج کرد. سازمان انقلابی با سیاست همزیستی خروشچف به مخالفت پرداخت و ضمن اعلام وفاداری به استالینیسم، شوروی را سوسیال امپریالیسم و احیاگر سرمایه‌داری خواند. سازمان انقلابی اولین گروه کمونیستی بود که به طرفداری از مبارزه مسلحانه پرداخت و بعضی از اعضای خود را برای کمک به فروش‌های عشایری ایران گسیل کرد. سازمان انقلابی در تحلیل‌های خود، ایران را یک کشور نیمه‌فئودالی نیمه مستعمره می‌دانست و نظریه شروع انقلاب از روستاها و محاصره شهرها را مطرح کرد. سازمان انقلابی در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا نفوذ زیادی داشت و در اروپا غربی نشریات زیادی را منتشر می‌کرد. از جمله کسانی که در ایجاد ارتباط بین سازمان انقلابی و چین و آلبانی بسیار کمک کرد، دکتر فریدون کشاورز از رهبران سابق حزب توده بود. سازمان

خلیل ملکی چپ، محمد انشعابیون از اعضای شاخص انشعاب حزب توده در دفتر جامعه سوسیالیست‌ها

انقلابی که خود زاده انشعابی متزلزل از حزب توده بود، در سال ۴۹، ۴۶ و ۵۰ گرفتار انشعابات پی‌درپی شد و نهایتاً به «حزب رنجبران» تغییر نام داد.

■ **برون داد دیگری به نام «حزب طوفان»**

در سال ۱۳۴۴ سه عضو کمیته مرکزی حزب توده یعنی قاسمی، سنایی و فروتن اخراج شدند. آنان ابتدا به سازمان انقلابی پیوستند و پس از اخراج از این سازمان، «حزب طوفان» را تشکیل دادند. طوفان مثل سازمان انقلابی طرفدار استالین و مائو و مخالف نظر به همزیستی مسالمت‌آمیز خروشچف بود، اما برخلاف سازمان انقلابی به این اصل که باید انقلاب را از شهرها شروع کرد و به روستاها تسری داد، اعتقاد نداشت.

حزب طوفان که در واقع ناشی از انشعاب در انشعاب از حزب توده بود، از سال ۱۳۵۰ دچار انشعابات پی‌درپی شد. در سال ۱۳۵۶ انشعاب کنندگان در سازمان انقلابی مائونیسم را کنار گذاشتند و حزب کمونیست کارگران و دهقانان را تشکیل دادند و با انتقاد از چین به طرفداری از آلبانی پرداختند. در سال ۱۳۵۷ گروهی از اعضای حزب کمونیست منشعب شدند و حزب «کار ایران» را تشکیل دادند.

■ **مبارزه جوانان مسلحانه‌ای که از حزب توده جدا شدند**

هر چند برخی گروه‌های منشعب شده از حزب توده در دهه ۱۳۴۰ و مشخصاً سازمان انقلابی، مبارزه مسلحانه را آغاز کردند، اما نخستین گروهی که به شکل رسمی جنگ چریکی و مبارزه مسلحانه با رژیم شاه را آغاز کرد، گروه جزنی بود که شکل‌گیری آن هم حاصل انشعاب از حزب توده و مخالفت با مشی سیاسی و حزبی آن بود. گروه جزنی که بعدها به گروه سیاهکل و گروه جنگل شهرت پیدا کردند، از جمله اعضای سازمان جوانان حزب توده بودند که در سال ۱۳۴۲ به مبارزه مسلحانه پرداختند. اعضای شاخص این گروه بیژن جزنی و حسن ضیاء ظریفی بودند که در سال ۱۳۴۵ مواضع خود را آشکارا بیان کردند و تعدادی از بازماندگان گروه رزم‌آوران حزب توده به آنها پیوستند. در بهمن ۱۳۴۹ افرادی از گروه جزنی به رهبری علی اکبر صفایی فراهانی در جنگل‌های سیاهکل به عملیات مسلحانه دست زدند. این حرکت را سرآغاز جنگ‌های چریکی نیروهای چپ علیه رژیم شاه برمی‌شمارند. سازمان چریک‌های فدایی خلق در فروردین ۱۳۵۰ با ادغام گروه‌های جزنی- ظریفی و احمدزاده - پویان تشکیل شد.

در مهر سال ۱۳۵۵ گروهی از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق از این سازمان منشعب شدند و به حزب توده ایران بازگشتند. در آذر ۱۳۵۸ هم گروهی با عنوان گروه آزادی و برابری به حزب توده پیوستند.

در خرداد ۱۳۵۹ هفت نفر از اعضای حزب دموکرات کردستان به رهبری غنی بلوریان از این حزب جدا شدند و به حزب توده پیوستند.

■ **تداوم انشعابات حزب توده در دهه ۶۰**

انشعابات حزب توده در دهه ۱۳۶۰ ادامه پیدا کردند. حزب توده که از اواخر دهه ۱۳۵۰ تا اوایل دهه ۱۳۶۰ توانسته بود با ترفندهایی به فعالیت‌علنی بپردازد، در سال ۱۳۶۲ در پی دستگیری سران حزب توده و علنی شدن جاسوسی آن برای شوروی، غیرقانونی اعلام شد و باقیمانده تشکیلات آن به خارج از کشور منتقل شدند. در سال ۱۳۶۴ انفصالیون، یعنی خسرو (بابک) امیر خسروی، فریدون آذرنور و فرهاد فرجاد آزاد از حزب توده جدا شدند و در سال ۱۳۶۵ نشریه «پژواک» را منتشر کردند.

جنبش توده‌ای‌های مبارز انفصالی در سال ۱۳۶۶ اعلام موجودیت کرد و از ده‌ماه همین سال با نام حزب دموکراتیک مردم ایران به فعالیت پرداخت. این حزب نشریه‌ای با نام «راه ارانی» را منتشر می‌کرد که بعدها به «راه آزادی» تغییر نام داد. سه عضو کمیته مرکزی این حزب از این حزب منشعب شدند و به حزب کارگر به رهبری محمدرضا شالگونی پیوستند. افراد دیگری از این حزب همچون سیاوش کسرای، محمدتقی برومند، رحیم نامور، حمید احمدی، غنی بلوریان، آواسیان، حبیب‌الله فروغیان، محسن حیدریان، محمدامین سراجی، علی‌اکبر شاندرمنی و محمدعلی جعفری و... هم یا از حزب اخراج شدند یا استعفا دادند.

■ **و کلام آخر**

شکل‌گیری حزب توده ابتدا حاصل ائتلاف سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها، روشنفکران و فعالان سیاسی و کارگری بود، اما انشعاب‌های متعدد در این حزب، غیر از تأثیرپذیری از فضای بین‌المللی بر رقابت‌های درونی اردوگاه کمونیسم، ناشی از عدم تجانس کامل میان گروه‌های پیوندیافته در تشکیلات حزب هم بود. در این حزب از کمونیست دوات‌شا تشکّل‌های ملی و مذهبی شرکت داشتند که به هیچ‌وجه از لحاظ مبنایی و ایدئولوژی تناسبی با هم نداشتند و در واقع پیوستن آنها به حزب توده یک حرکت تاکتیکی بود و دوام زیادی نیاورد.

حزب توده بعد از کودتای ۲۸ مرداد و در آغاز انقلاب اسلامی و آمدتی پس از پیروزی انقلاب دائماً از تشکیلات جبهه‌ای از نیروهای مترقی و ضدامپریالیست حرف می‌زد و بر تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری اصرار داشت، اما انشعاب‌های مختلف درون خود حزب، یکپارچگی آن را از بین برد و این امر هر چقدر تحقق پیدا نکرد.